



تقابل امامت و خلافت در خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید

دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۵

محمدحسین جمالزاده^۱

چکیده

خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید از خطبه‌هایی محسوب می‌شود که در موقعیت مکانی و زمانی خاصی ایراد شده است. تحلیل این خطبه نشان می‌دهد آثار اجتماعی آنی و بلندمدتی بر جای گذاشته است. مسئله این پژوهش آن است که «سطوح تحلیل گفتمان خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید چیست و چه آثاری در هر یک از این سطوح قابل ذکر است؟» به این منظور با استفاده از روش تحلیل گفتمان، جمع‌آوری کتابخانه‌ای داده‌ها و استفاده از چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، یافته‌های زیر به دست آمد: در سطح توصیف، این خطبه به شکل بیانی و واجد خصوصیات خطابه همچون زبان بدن، تعامل با مخاطب و واکنش لحظه‌ای است. همچنین امام سجاد علیه السلام با استفاده از بلاغت زبانی و عمق معنایی به بازیابی حافظه تاریخی امت پرداخته است. در سطح تفسیر، روابطی که باعث تولید گفتمان شده شامل دو گروه پیروان امامت و پیروان خلافت است که روابط بینامتنی نیز در همین دو گروه شکل می‌گیرد. در سطح تبیین، این خطبه و دیگر اقدامات دستگاه امامت موجب تغییر در ساختارهای اجتماعی شده، به نحوی که نفوذ دستگاه خلافت اموی روزبه‌روز کمتر و مردم در فراگیری آموزه‌های دینی از مرجع رسمی خلافت و علمای درباری روی گردان و به‌سوی امام سجاد علیه السلام و گفتمان امامت متمایل شده‌اند. همچنین مواجهه گفتمانی دستگاه امامت با دستگاه خلافت در گونه تقابل حفظ شده و ارتقا یافته و از این رهگذر، دستگاه خلافت اموی به موضع انفعال و عقب‌نشینی از سلطه، نفوذ و انحراف آفرینی در جامعه اسلامی کشانده شده است.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد علیه السلام، تحلیل گفتمان، خطبه امام سجاد علیه السلام، امامت، شیعه.

۱. دانشجوی دکترای دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه تهران: jamalzadeh@ut.ac.ir

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

پس از واقعه کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام)، دستگاه امامت شیعه به امامت امام سجاد (علیه السلام) وارد مرحله جدیدی از مبارزه شد که متناسب با شرایط اجتماعی آن دوران به تعیین راهبردها و اهداف خود اقدام کرد. مهم ترین راهبرد دستگاه امامت در دوران امامت امام سجاد (علیه السلام) این بود که درباره واقعه کربلا و جنایات و جریانات پشتیبان آن روشنگری صورت گیرد و آگاهی امت اسلام از اقدامات و توطئه های دستگاه خلافت بیشتر شود. از این رو، استفاده از زبان در قالب خطابه و مناجات در سیره سیاسی امام سجاد (علیه السلام) بسیار برجسته بوده و اثر ارزشمند صحیفه سجادیه بخشی از این شیوه مبارزاتی امام سجاد (علیه السلام) را در خود جای داده است.

خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام در مجلس یزید یکی از مواردی است که امام سجاد (علیه السلام) از ابزار زبان برای روشنگری و تبیین و آگاهی بخشی اجتماعی استفاده کرده و حوادث و اتفاقات پس از آن همچون قیام های مردمی در حمایت از خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و خون خواهی اباعبدالله الحسین (علیه السلام) گواه آن است.

تحلیل گفتمان این خطبه که در زمانی خاص (پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)) و در مکانی ویژه (در مسجد شام در حضور یزید) ایراد شده است، می تواند علاوه بر ریشه یابی تقابل گفتمانی دستگاه امامت و خلافت با یکدیگر به بازشناسی جریان های بعدی نیز کمک کند. از این رو، مسئله این پژوهش این است که «سطوح تحلیل گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید چیست و چه آثاری در هر یک از این سطوح برای این خطبه قابل ذکر است؟» توضیح آنکه از مجرای تحلیل گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید می توان به آثار اجتماعی این خطبه و بازتولید دانش زمینه ای تقابل گفتمانی دستگاه امامت و خلافت دست یافت و می توان تغییر در ساختارهای اجتماعی آن دوران را بهتر تحلیل کرد. از این رو، این پژوهش با بهره گیری از الگوی نظری تحلیل گفتمان در پی

آن است که با بررسی این خطبه، دلالت‌ها و آثار گفتمانی آن را استخراج کند.

۲-۱. اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش کشف دلالت‌های گفتمانی خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است و قصد دارد با استفاده از متن منابع دست اول و تحلیل‌های منابع ثانویه، شیوه مواجهه گفتمانی دستگاه امامت و دستگاه خلافت را از مجرای تحلیل گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) مشخص کند.

۳-۱. پیشینه پژوهش

مواجهه تحلیلی با متون اسلامی در چند دهه اخیر بسامد بسیاری یافته و مورد توجه محققان و پژوهشگران علوم اسلامی در عرصه‌های اخلاق، تاریخ، کلام، تفسیر قرار گرفته است. بیشتر تلاش‌ها در این زمینه با استفاده از روش تحلیل گفتمان و تحلیل مضمون بوده است (معتمد لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴).

در میان بیانات به‌جا مانده از امام سجاد (علیه السلام) خطبه ایشان در مجلس یزید، از خطبه‌های برجسته و سخنان عمیق ایشان پس از واقعه کربلا و شهادت پدر بزرگوارشان، امام حسین (علیه السلام) است. این خطبه هر چند کوتاه، مضامین بلندی دارد و توجه چندانی به‌صورت تحلیلی به آن نشده است. میرزاخان (۱۳۹۸) به‌صورت تطبیقی این خطبه را با خطبه‌های حضرت زینب (علیها السلام) در کوفه و شام سبک‌شناسی کرده و در سه سطح زبانی، ادبی و فکری به ترسیم سبک این خطبه‌ها پرداخته است. حسینی اجداد (۱۳۹۵) نیز به بافت متنی خطبه امام سجاد (علیه السلام) در کوفه پرداخته و سخنی از خطبه حضرت در شام به میان نیاورده است. ارجمندی (۱۳۹۵) نیز از زاویه ادبی به این خطبه پرداخته و به تحلیل ادبی آن پرداخته و وجوه نوآوری زبانی و ادبی آن در ادبیات عرب را بیان کرده است.

باقی‌پور (۱۳۸۶) این خطبه را قیامی علیه نیرنگ‌های دستگاه خلافت معرفی کرده؛ اما

پژوهش وی فاقد چهارچوب تحلیلی است. فارسی مدان (۱۴۰۰) از زاویه مخاطب‌شناسی به این خطبه پرداخته و به این نتیجه رسیده که کارکرد این خطبه با توجه به ایراد آن در شام، این بوده است که تحولی عظیم و بنیادین در بینش مردم درباره چرایی نهضت حسینی و تبلیغ پیام‌های عاشورا و اهداف شوم امویان ایجاد کند.

محمد نصرآوی (۱۳۹۴) گفتمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صحیفه سجادیه را بر اساس الگوی سه‌بعدی فرکلاف بازسازی کرده است. وی به چندین تقابل گفتمانی همچون تقابل گفتمان علوی و عثمانی و تقابل شام و حجاز اشاره کرده و چنین نتیجه گرفته است که امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه نخستین پایه‌های فکری جریان امامیه را بنیان نهاده است. این پژوهش هرچند به خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید اشاره کرده ولی تمرکزش بر صحیفه سجادیه بوده است.

تنها پژوهش همسو با پژوهش ما از نظر موضوع و روش، متعلق به مکی، عبداللهی و سیدی (۱۴۰۲) است، اما این پژوهش در یافته‌هایش با پژوهش ما تمایز دارد. نویسندگان مقاله مذکور روابط بینامتنی این خطبه را در قرآن و مناظرات امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام مجتبی (علیه السلام) با معاویه تحلیل کرده‌اند، در حالی که پژوهش ما روابط بینامتنی این خطبه را در سطح تقابل گفتمانی خلافت و امامت تحلیل کرده و ریشه آن را نه فقط در دوران امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام مجتبی (علیه السلام) بلکه در دوران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و کنش گفتمانی حضرت زهرا (علیها السلام) جست‌وجو کرده است.

با بررسی پیشینه تجربی درباره خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید می‌توان گفت پژوهش‌های صورت گرفته درباره خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید چندان به فرامتن آن توجه نداشته و بیشتر تمرکز و توجه‌شان بر متن خطبه، وجوه ادبی و نوآوری‌های زبانی آن بوده است. از این‌رو، تمایز پژوهش ما با پژوهش‌های صورت گرفته در همین است که از سطح متن آن فراتر خواهد رفت و دلالت‌های گفتمانی فرامتنی آن را واکاوی خواهد کرد.

۱-۴. روش پژوهش

این پژوهش با توجه به مسئله و هدفی که دنبال می‌کند، از روش کیفی تحلیل گفتمان استفاده و داده‌هایش را به روش کتابخانه‌ای گردآوری کرده است. تحلیل گفتمان یا سخن‌کاوی چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و عوامل برون‌زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). در واقع، تحلیل گفتمان رویکردی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه ساختارهای متون می‌پردازد و برای آنکه چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی متون را بررسی می‌کند (مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناختی صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین منبع تشریح معنا، یعنی بافت معنا روبه‌رو نیستیم، بلکه فراتر از آن عوامل برون‌زبانی یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی نیز دخیل است. به این دلیل است که براون و یول در تعریف تحلیل گفتمان نوشته‌اند: «تحلیل گفتمان ضرورتاً تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و نقش‌هایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند» (Brown & Yule, 1983:1).

تحلیل گفتمان در پی آن است که کشف کند کارکردهای اجتماعی‌ای که مختصات آن در لایه‌های زیرین گفتمان لانه گرفته‌اند، چگونه در لایه‌های رویین آن تصویرسازی و بازنمایی می‌شوند. در این روش، تعدادی از مؤلفه‌ها یا ساختارهایی که گفتمان‌مدار هستند، انتخاب می‌شود و با به‌کارگیری این مؤلفه‌ها می‌توان به تجزیه و تحلیل متون مد نظر پرداخت (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۵).

۲. معرفی خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید

امام سجاد (علیه السلام) در سخنرانی‌های خود پس از واقعه کربلا با استناد به آیات قرآن علیه

ظلم و ستم بنی امیه سخن می گفت و با سلاح دعا و مناجات با پروردگار، مجموعه ای از معارف اصیل اسلامی را برای تهذیب نفس و اخلاق و بیداری مسلمین به یادگار گذاشت. امام سجاد (علیه السلام) از دوراه عملی با امت اسلام مواجه شد:

اول از راه برانگیختن وجدان انقلابی افراد مسلمان و برانگیختن احساس شان درباره گناه و ضرورت جبران آن گناه بود. امام کوشید تا شخصیت اسلامی و کرامت انسانی را در مقابل حاکمان منحرف از تنزل و فرومایگی نگاه دارد.

دوم از راه تمهید برنامه فکری و آگاهی عقیدتی و روانی امت بود. خانه و مدرسه ایشان محل تجمع شاگردان شد و بعدها همین شاگردان، سازندگان تمدن اسلامی و مردان تفکر و قانون گذاری و ادب اسلامی گردیدند (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۲۱۲).

حساس ترین سخنان امام سجاد (علیه السلام) که تحولی عظیم در بینش مردم درباره امویان ایجاد کرد و معادلات یزید را بر هم زد و خط مشی او را به اهل بیت (علیهم السلام) کاملاً تغییر داد، خطبه ای است که آن حضرت در جمع مردم و رجال سیاسی و دینی شام ایراد کرد. این خطبه که در مسجد شام روز جمعه و با حضور یزید ایراد گردیده، اوج موفقیت امام سجاد (علیه السلام) در ابلاغ رسالت و تبلیغ عاشورا و تداوم خط شهیدان کربلاست.

یزید در این مجلس به یکی از خطیبان درگاهش دستور داد به مذمت علی (علیه السلام) و اولادش و به توجیه و تمجید فجایع عاشورا اقدام کند. وقتی سخنان خطیب پایان یافت، امویان خود را فاتح دیدند و مسائل را حل شده پنداشتند؛ مسائلی که در کاخ یزید و در طول راه توسط حضرت زینب (علیها السلام) و امام سجاد (علیه السلام) بر ملا شده بود. امام سجاد (علیه السلام) تنها مرد جوان و اسیر قافله از جای برخاست و به یزید گفت: آیا اجازه می دهی من هم با مردم سخن بگویم؟ یزید رضایت نمی داد، اما با اصرار فراوان اطرافیانش پذیرفت؛ زیرا وضع و حال امام را به گونه ای نمی دیدند که سخنانش همپای سخنان خطیب دربار باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۱۳۷) امام سجاد (علیه السلام) برای مردمی که اسلام را تنها از امویان دیده و شنیده بودند و پیامبر و اصحابش را نمی شناختند معرفی فرمود، سپس به بیان جایگاه و شخصیت خود و دیگر اسیران اهل بیت (علیهم السلام) پرداخت. به طور خلاصه، سخنان امام حاوی

این مطالب بود:

۱. حمد و سپاس خداوند: امام زین العابدین (علیه السلام) نخست سپاس خدای را گفت و خطبه را آغاز کرد.

۲. معرفی شخصیت پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین و بیان فضایل ایشان و برتری خاندان رسول الله نسبت به دشمنان شان.

تاریخ دقیق ایراد خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام مشخص نیست. با این حال، احتمال داده اند این خطبه در روزهای پایانی اقامت اُسرای اهل بیت (علیهم السلام) در شام ایراد شده است، چراکه یزید پس از این خطبه، نگهداری اسیران کربلا در شام را به مصحلت ندید و مقدمات حرکت آنان به مدینه را فراهم کرد (امینی، ۱۳۸۱، ج ۶: ۲۶۷).

شیخ مفید، ابن اثیر و طبری در کتاب‌های خود نقل کرده اند که یزید وقتی می خواست کاروان اُسرا را به طرف مدینه حرکت دهد، امام سجاد (علیه السلام) را فراخواند و با او خلوت کرد و به حضرت گفت: «خدا لعنت کند پسر مر جانه (عبیدالله) را! آگاه باش اگر من با پدرت برخورد کرده بودم، هیچ چیز از من نمی خواست جز آنکه به او می بخشیدم و به هر نیرویی از مرگ او جلوگیری می کردم؛ ولی خدا چنین مقدر کرده بود که دیدی. هر حاجتی داری برای من بنویس تا اجابت شود» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۲۲؛ طبری، ج ۵: ۴۶۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴: ۸۷). در واقع، یزید می خواست با رفع اتهام از خویش از طرفی، عبیدالله بن زیاد را مقصر جلوه دهد و از طرف دیگر این امر را خواست خدا (جبر) جلوه دهد. بدون شک این تغییر موضع یزید به تبع خطبه‌ای بود که امام سجاد (علیه السلام) در شام ایراد کردند و آثاری که حضور کاروان اهل بیت (علیهم السلام) در آنجا بر جای گذاشته بود.

برای شناخت و بررسی بهتر خطبه امام سجاد (علیه السلام) باید وضعیت شام آن دوره را نیز به خوبی شناخت و میزان معرفت اهل شام درباره معارف اهل بیت (علیهم السلام) را سنجید. شام که پیشتر تحت سیطره امپراتوری روم بود، در سال ۱۴ قمری جزو حکومت اسلامی شد. مردم

شام به سبب حکومت طولانی امیرانی مانند خالد بن ولید و معاویه در آن منطقه، شناخت چندانی از پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) نداشتند. بنی امیه آن قدر مردم را در فقر فرهنگی قرار داده بودند که وقتی معاویه نماز جمعه را روز چهارشنبه خواند، هیچ کس به او اعتراضی نکرد (امینی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰: ۲۳۷؛ مسعودی، ج ۲: ۷۷). از سوی دیگر، معاویه در این شهر ضدّ اهل بیت (علیهم السلام) تبلیغات کرده بود. معاویه طوری علیه علی (علیه السلام) تبلیغ کرده بود که مردم سبّ و لعن ایشان را سنت و ارزش اجتماعی به حساب می آوردند و کودکان بر سبّ حضرت علی (علیه السلام) متولد می شدند و بزرگان بر آن روش می بردند (امینی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰: ۲۶۶ و ۲۹۰) تبلیغات دشمن آنچنان بر افکار مردم شام اثر گذاشته بود که هنگام ورود اهل بیت (علیهم السلام) به شام، مردم لباس نو پوشیدند و شهر را آذین بستند. نمونه ذیل، وضع شام را نشان می دهد.

زمانی که اهل بیت (علیهم السلام) را وارد دمشق کردند، شیخی نزد آنان آمد و گفت: «سپاس خدای را که شما را کشت و به هلاکت رساند و مردم را از شر شما راحت و امیرالمؤمنین را بر شما پیروز نمود.» [۶] امام سجاد (علیه السلام) به او گفت: «ای شیخ! آیا قرآن خوانده ای؟» گفت: بلی. حضرت فرمود: آیا این آیه را خوانده ای که خدا از قول رسول می گوید: من بر این [رسالت]، مزدی از شما نمی خواهم؛ مگر محبت و دوستی خویشان (شوری، ۲۳) گفت: آری. فرمود: «ای شیخ! ما، خویشان پیامبر هستیم.» بعد فرمود: «آیا این آیه را تلاوت کرده ای که حق خویشانت را ادا کن» (اسراء، ۲۶). پاسخ داد: آری، خوانده ام. امام (علیه السلام) فرمود: «آن خویشان، مایم.» حضرت در ادامه فرمود: «آیا این آیه را قرائت کرده ای: همانا خدا می خواهد آلودگی را از شما اهل بیت بزداید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند؟» (احزاب، ۳۳) گفت: آری. فرمود: «ای شیخ! ما همان خاندانی هستیم که آیه تطهیر درباره آنان نازل شده است.» پیرمرد، سکوت کرد و از گفته خود پشیمان شد و سر به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! من از سخنانی که به زبان آوردم، به درگاهت، توبه می کنم و از بغضی که به اینان داشتم، به تو پناه می برم. خدایا! من از دشمنان محمد و آل محمد بیزارم.» (ابن طاووس، ۱۳۶۴: ۷۶).

درباره چگونگی شکل گیری مجلسی که در آن این خطبه ایراد شده است، نقل های

متفاوتی وجود دارد. ابوالفرج اصفهانی نوشته است: «یزید به علی بن حسین (علیه السلام) دستور داد به منبر رفته، خطبه‌ای ایراد کند و از کار پدرش معذرت بخواهد» (اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۰). برخی دیگر چنین نقل کرده‌اند که یزید خطیبی را فراخواند و به او دستور داد که بالای منبر برود و مردم را از بدی‌های حسین و علی و اعمال آن‌ها آگاه کند. پس خطیب بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی، از امام حسین (علیه السلام) و امیرمؤمنان (علیه السلام) به زشتی یاد کرد و در ستایش معاویه و یزید هرچه توانست گفت. در این هنگام امام سجاد (علیه السلام) به این سخنان واکنش نشان داد و فرمود: «وای بر تو ای خطیب! خشنودی آفریده را به خشم آفریدگار خریدی و برای خود جایی در دوزخ آماده کردی.» سپس به یزید گفت: «رخصت بده بالای این چوب‌ها (امام آن منبر را چوب می‌خواند؛ چراکه منبر جایی است که در آن سخن حق گفته می‌شود، نه سخن باطل). بروم و سخنانی بگویم که در آن خشنودی خدا و رضایت حاضران و اجر و ثواب باشد.» یزید از این امر امتناع کرد. مردم گفتند: «ای امیرمؤمنان، به او رخصت بده که بالای منبر برود تا ما از او هم چیزی بشنویم». یزید به آن‌ها گفت: «اگر بالای منبر برود، پایین نمی‌آید، مگر اینکه من و آل ابی سفیان را رسوا کند.» مردم گفتند: او توانایی چنین کاری را ندارد. یزید گفت: «او از خاندانی است که علم را از سرچشمه نوشیده‌اند.» سرانجام مردم آن قدر اصرار کردند تا اینکه یزید به وی اجازه داد بالای منبر برود (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۱۳۲؛ خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۱۳۷). عمادالدین طبری ضمن گزارش بخشی از متن خطبه، اصرار فرزند یزید به نام معاویه را در اجازه دادن به امام سجاد (علیه السلام) مؤثر دانسته است (طبری، ۱۳۸۳: ۶۵۸). با توجه به اینکه در یافته‌های پژوهش به متن خطبه اشاره خواهد شد، از بیان آن در اینجا خودداری شده است.

۲-۱. چهارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی

در این پژوهش که به دنبال تحلیل گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید است، از چهارچوب نظری و الگوی تحلیلی نورمن فرکلاف استفاده می‌شود. تحلیل گفتمان

انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد، بلکه افراد و نهادهایی را نیز بررسی می‌کند که شیوه‌های گوناگونی برای معنایپردازی در متن دارند؛ بنابراین در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان کاوی تجزیه و تحلیل ساختارها و معنایی است که بار ایدئولوژیک دارند (مکاریک، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار دیگر شیوه‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و مرجعی است که در ستیز با استعمار و سلطه استفاده می‌شود. هدف این رویکرد، بررسی انتقادی نابرابری اجتماعی است آن گونه که در زبان به کار می‌رود (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۱)؛ بنابراین، سه مفهوم الزاماً در تمام رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد: انتقاد، قدرت و ایدئولوژی که در دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی و تحلیل کلام به آن‌ها توجه نشده است.

فرکلاف مدعی است فعالان حوزه زبان‌شناسی انتقادی در اغلب موارد در کارهای خود بر این پیش‌فرض بودند که مخاطبان، متون را دقیقاً به همان روش تحلیل‌گر تفسیر می‌کنند و مطالعات اولیه در حوزه زبان‌شناسی انتقادی بیشتر حول محور تحلیل‌گرایی و لغوی بوده است و به تحلیل بینامتنی متون توجه بسیار کمی کرده‌اند. تحلیل زبان‌شناختی بر اجزای جمله تمرکز زیادی داشته است؛ در حالی که به سازمان‌های سطح بالاتر از کُل متن بی‌توجه بوده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۸-۱۳۱). به این دلیل بود که فرکلاف در مطالعات اولیه خود رویکردش را در حوزه زبان و گفتمان، مطالعه زبان انتقادی نام نهاد. او هدف این رویکرد را کمک به ایجاد آگاهی درباره روابط اجتماعی استثمار دهنده دانست که از طریق ایجاد تمرکز بر زبان، این روابط را تعریف می‌کند (همان: ۱۱۹). فرکلاف معتقد است در متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارد که علاوه بر اینکه با یکدیگر مرتبط هستند، کلیتی را می‌سازند که به آن گفتمان می‌گویند و متن در درجه اول به آن کلیت وابسته است (همان: ۱۴۱).

این رویکرد از زبان‌شناسی، زبان و گفتمان را در ارتباط با مسائل کلان جامعه از قبیل

نهادهای اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های مرتبط با مراکز قدرت سیاسی و اجتماعی به کار گرفته است. در این رویکرد گفتمان از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تشکیل شده است. زبان در هر یک از این سطوح دارای بار ایدئولوژیک است (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۸ و ۱۲۹).

فرکلاف تحلیل گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند:

سطح اول: توصیف؛ در این سطح گفتمان به مثابه متن است

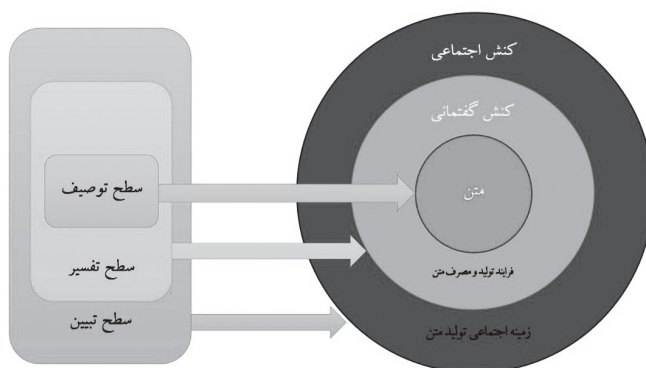
سطح دوم: تفسیر؛ گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن است.

سطح سوم: تبیین؛ این سطح کلان بوده و گفتمان به مثابه زمینه عمل می‌کند.

مرحله توصیف به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان، فارغ از نقش زمینه می‌پردازد. مرحله تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است. مرحله تبیین نیز گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌کند (همان: ۵۴).

فرکلاف به طور کلی، تحلیل متن را شامل دو گونه می‌داند که یکدیگر را تکمیل می‌کنند: گونه زبان‌شناختی و گونه بینامتنی. از نظر او «تحلیل زبان‌شناختی نشان می‌دهد که چگونه متن از نظام‌های زبانی (در معنای وسیع کلمه) به نحو گزینش‌گرانه بهره می‌گیرند، حال آنکه تحلیل بینامتنی نشان می‌دهد که متون چگونه از نظم‌های گفتمان به نحوی گزینش‌گرانه استفاده می‌کنند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۲).

به طور کلی، الگوی نظری فرکلاف در تحلیل گفتمان را می‌توان در شکل ۱ نمایش داد:



شکل ۱. الگوی سه بعدی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (Fairclough, 1995)

در این پژوهش در چهارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید تحلیل می شود تا مشخص شود تعامل ایشان با سلطه (دستگاه خلاف اموی و شخص یزید) چه رویکردی دارد و چه کمکی به ستیز با استعمار و سلطه و ایجاد آگاهی درباره روابط اجتماعی می کند.

۲-۲. یافته های پژوهش

همان گونه که گفته شد، سطوح تحلیل گفتمان از نظر فرکلاف عبارت است از: سطح اول گفتمان به مثابه متن، (مرحله توصیف)؛ سطح دوم گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (مرحله تفسیر)؛ سطح سوم که سطح کلان است، گفتمان به مثابه زمینه است (مرحله تبیین). مرحله توصیف به تحلیل مقوله های زبان شناسی گفتمان فارغ از نقش زمینه می پردازد. مرحله تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی را وضوح می بخشد. مرحله تبیین نیز گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می کند. اکنون این سه مرحله را درباره خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید بررسی می کنیم تا تحلیل گفتمان انتقادی این خطبه استخراج شود.

۲-۱. سطح اول: توصیف

فرکلاف سطح توصیف را شامل تحلیل ویژگی‌های زبانی (واژگانی، دستوری و انواع کنش گفتاری) متن می‌داند. تحلیل دقیق متن بر اساس این ویژگی‌ها به درک بهتر روابط قدرت و فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان کمک می‌کند. از این‌رو، بر اساس نظر فرکلاف در تحلیل متن باید ضرورتاً به تحلیل صورت متن نیز پرداخت، چه آنکه محتوا و متن همواره در صورت و شمایل بازنمایی می‌شود و می‌توان گفت صورت جزئی از محتواست (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸۵).

در تحلیل سطح اول خطبه امام سجاد (علیه السلام) ابتدا باید گفت صورت این خطبه به شکل بیانی و خطاب است. از این‌رو، واجد خصوصیات خطابه همچون زبان بدن، تعامل با مخاطب و واکنش لحظه‌ای است. پس از آنکه در مجلس یزید خطیب بر منبر می‌رود و در کلمات خود به سب و لعن و ذم امام علی (علیه السلام) و خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌پردازد، امام سجاد (علیه السلام) به این عمل وی واکنش نشان داده، سکوت مجلس را به هم زده، می‌گوید: «وای بر تو ای سخنران! رضایت مخلوق را به خشم خالق فروختی و جایگاهت را در آتش قرار دادی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۱۳۷) ^۱ سپس در واکنشی لحظه‌ای و غافل‌گیرانه رو به یزید می‌کند و می‌گوید: «ای یزید! به من اجازه بده تا از این چوب‌ها بالا بروم و سخنانی بگویم که در آن رضایت خدا و برای این مردم در آن، اجر و ثوابی است» (همان) ^۲. تعبیر حضرت از منبر به «چوب» صورت متفاوتی به خطبه ایشان داده و حالت اعتراضی آن را به مخاطب خود نشان می‌دهد (آیتی، ۱۳۹۶: ۹۵). صورت خطبه، نکته دیگری را نیز عیان می‌کند، فرصت زمانی کوتاه حضرت برای بیان حقایق، این خطبه نسبت به دیگر خطبه‌های امام سجاد (علیه السلام) بسیار کوتاه است. گویا ایشان به این امر التفات داشته است و از این‌رو، حجم بیشتر سخنان خود را به بیان فضایل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) اختصاص دادند. ضرورت این امر در مرحله تبیین واضح‌تر می‌شود؛ ولی به اختصار باید گفت نبود شناخت و بی‌اطلاعی مردم شام از فضائل امیرالمؤمنین

۱. وَبَلَكَ أَتَمُّهَا الْخَاطِبُ اشْتَرَيْتَ مَرْضَاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ فَتَنَوُا مَقْعَدَكَ مِنَ النَّارِ.

۲. يَا يَزِيدُ ائْذَنْ لِي حَتَّى أَضَعِدَ هَذِهِ الْأَعْوَادَ فَأَتَكَلِّمُ بِكَلِمَاتٍ لَيْلَةٍ فِيْهِنَّ رِضًا، وَ لِهَؤُلَاءِ الْجُلَسَاءِ فِيْهِنَّ أَجْرٌ وَ نَوَابٌ

علی (علیه السلام) مهم‌ترین انگیزه حضرت برای بیان این کلمات و از این طریق به دنبال بازبانی حافظه تاریخی امت اسلامی بوده است. نبود شناخت مردم شام از امیرالمؤمنین تا جایی بوده است که اکثر مردم شام امیرالمؤمنین را نمازگزار نمی‌دانستند. نصر بن مزاحم منقری صحنه‌ای از جنگ صفین را چنین گزارش می‌کند: «فردی شامی به قصد حمله به سپاه امیرالمؤمنین حرکت کرد و گفت من از این‌رو، با شما می‌جنگم که به من خبر رسیده است فرمانده شما نماز نمی‌گزارد و شما نیز نماز نمی‌گزارید» (منقری، ۱۴۰۴ق: ۳۵۴).

از سوی دیگر، مردم شام و کوفه یزید را امیرالمؤمنین می‌دانستند و او را با این لقب خطاب می‌کردند، امام سجاد (علیه السلام) با بیان فضایل امام علی (علیه السلام) این انگاره را زدوده، امیرالمؤمنین واقعی را برای مردم شام به تصویر می‌کشد. پس از تحلیل صورت خطبه باید به تحلیل متن آن در سطح توصیف پرداخت و ویژگی‌های زبانی آن را برشمرد. متن خطبه پس از حمد و ثنای الهی با خطاب ای مردم (أیها الناس) آغاز می‌شود. مخاطب خطبه با بیان همین کلمه مشخص می‌شود. پس از آن به بیان فضایل اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته می‌شود و آن‌گاه حضرت به معرفی خود می‌پردازد. ایشان در بیان فضایل و معرفی خود از واژگان کوبنده و عبارات کوتاه استفاده کرده است. این امر سبب شده است تأثیر آنی خطبه بیشتر باشد به نحوی که در گزارش‌های این خطبه آمده است که مردم به گریه افتادند و فریاد آن‌ها بلند شد و یزید از این مسئله آشفته شد و دستور داد مؤذن اذان بگوید (خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۸). امام در معرفی خود و رساندن نسبش به رسول الله با لحنی آهنگین که ختم به الف مقصوره می‌شود از این عبارات کوتاه استفاده کرده است: «أَيُّهَا النَّاسُ! أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي، أَنَا ابْنُ زَمْزَمَ وَالصَّفَا، أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ الرُّكْنَ بِأَطْرَافِ الرَّدَا، أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ اثْرَزَرَ وَازْتَدَى، أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ انْتَعَلَ وَ اخْتَفَى، أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ طَافَ وَسَعَى، أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ حَجَّ وَلَبَّى، أَنَا ابْنُ مَنْ حُمِلَ عَلَى الْبُرَاقِ فِي السَّمَاءِ، أَنَا ابْنُ مَنْ أُسْرِى بِهِ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، أَنَا ابْنُ مَنْ بَلَغَ بِهِ جَبْرَيْلُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، أَنَا ابْنُ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، أَنَا ابْنُ مَنْ صَلَّى بِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ، أَنَا ابْنُ مَنْ أُوحِيَ إِلَيْهِ الْجَبَلُ مَا أُوحِيَ، أَنَا ابْنُ

مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۱۳۷)، اما حضرت در معرفی خود و رساندن نسبش به امیرالمؤمنین آهنگ کلام را با ختم عبارات به کلمات حاوی «یاء و نون» تغییر می دهد تا علاوه بر اینکه از یکنواختی کلام جلوگیری شود، مخاطب متوجه تفاوت مقام رسول الله و امیرالمؤمنین شود: «أَنَا ابْنُ مَنْ ضَرَبَ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ بِسَيِّفَيْنِ، وَ طَعَنَ بِرُمَحَيْنِ، وَ هَاجَرَ الْهَجْرَتَيْنِ، وَ بَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ، وَ قَاتَلَ بِبَدْرٍ وَ حُنَيْنٍ، وَ لَمْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ طَرْفَةً عَيْنٍ، أَنَا ابْنُ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ النَّبِيِّينَ، وَ قَامِعِ الْمُلْحِدِينَ، وَ يَعْصُوبِ الْمُسْلِمِينَ، وَ نُورِ الْمُجَاهِدِينَ، وَ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَ تَاجِ الْبَكَائِينَ، وَ أَصْبَرِ الصَّابِرِينَ، وَ أَفْضَلِ الْقَائِمِينَ مِنْ آلِ يَاسِينَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ... أَنَا ابْنُ الْمُحَامِي عَنْ حَرَمِ الْمُسْلِمِينَ، وَ قَاتِلِ الْمَارِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ، وَ الْمُجَاهِدِ أَعْدَاءَهُ النَّاصِبِينَ، وَ أَفْخَرِ مَنْ مَشَى مِنْ قُرَيْشٍ أَجْمَعِينَ، وَ أَوَّلِ مَنْ أَجَابَ وَ اسْتَجَابَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَوَّلِ السَّابِقِينَ، وَ قَاصِمِ الْمُعْتَدِينَ، وَ مُبِيدِ الْمُشْرِكِينَ، وَ سَهْمٍ مِنْ مَرَامِي اللَّهِ عَلَى الْمُنَافِقِينَ، وَ لِسَانِ حِكْمَةِ الْعَابِدِينَ» (همان) ۱.

همچنین در معرفی امیرالمؤمنین از تک کلمات کوبنده ای استفاده کرده است که از نظر زبانی معانی عمیقی را شامل و موجب اثرگذاری بر مخاطب می شود: «سَمِعَ سَخِيَّ بَهِيٍّ بُهْلُولَ زَكِيٍّ أَبْطَحِيٍّ رَضِيَ مَقْدَامُ هَمَامٍ صَابِرٍ صَوَامٌ مُهَذَّبٌ قَوَامٌ ... مَكِيٌّ مَدَنِيٌّ خِفِيٌّ عَقِيٌّ بَدْرِيٌّ أَحَدِيٌّ شَجَرِيٌّ مُهَاجِرِيٌّ» (همان) ۲.

۱. من فرزند مکه و منایم. من فرزند زمزم و صفايم. من فرزند کسی هستم که حجرالاسود را با ردای خود حمل و در جای خود نصب فرمود. من فرزند بهترین طواف و سعی کنندگانم. من فرزند بهترین حج کنندگان و تلبیه گویان هستم. من فرزند آنم که بر براق سوار شد. من فرزند پیامبری هستم که در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر کرد. من فرزند آنم که جبرئیل او را به سدره المنتهی برد و به مقام قرب ربوبی و نزدیک ترین جایگاه مقام باری تعالی رسید. من فرزند آنم که با ملائکه آسمان نماز گزارد. من فرزند آن پیامبرم که پروردگار بزرگ به او وحی کرد. من فرزند محمد مصطفی هستم.

۲. من پسر آن کسی هستم که برابر پیامبر با دو شمشیر و با دو نیزه می رزمید و دو بار هجرت و دو بار بیعت کرد و در بدر و حنین با کافران جنگید و به اندازۀ چشم بر هم زدنی به خدا کفر نورزید. من فرزند صالح مؤمنان و وارث انبیا و از بین برنده مشرکان و امیر مسلمانان و فروغ جهادگران و زینت عبادت کنندگان و افتخار گریه کنندگانم. من فرزند بردبارترین بردباران و افضل نماز گزاران از اهل بیت پیامبر هستم. من پسر آنم که جبرئیل او را تأیید و میکائیل او را یاری کرد. من فرزند آنم که از حرم مسلمانان حمایت فرمود و با مارقین و ناکثین و قاسطین جنگید و با دشمنانش مبارزه کرد. من فرزند بهترین قریشم. من پسر اولین کسی هستم از مؤمنین که دعوت خدا و پیامبر را پذیرفت. من پسر اول سبقت گیرنده ای در ایمان و شکننده کمر متجاوزان و از میان برنده مشرکانم. من فرزند آنم که به مثابۀ تیری از تیرهای خدا برای منافقان و زبان حکمت عباد خداوند

۳. او جوانمرد، سخاوتمند، نیکوچهره، جامع خیرها، سید، بزرگوار، ابطحی، راضی به خواست خدا، پیشگام در مشکلات، شکيبا، روزه دار دایم، پاکیزه از هر آلودگی و بسیار نماز گزار بود ... مکی و مدنی و خیفی و عقبی و بدری و احدی و شجری و مهاجری است.

۲-۲-۲. سطح دوم: تفسیر

مرحله تفسیر دو امر را دربر دارد: فرایندهای مشارکت کننده‌های گفتمان و تفسیر متن. تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. ذهنیت مفسر در واقع دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۰). در واقع، مرحله تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی را آشکار می‌کند.

در خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام روابطی که باعث تولید و درک گفتمان شده، شامل دو گروه است که از لحاظ گفتمانی در مقابل یکدیگر قرار دارند. گروه اول پیروان امامت خاندان رسول خدا ﷺ به رهبری امام سجاد (علیه السلام) و گروه دوم پیروان دستگاه خلافت به رهبری یزید است. تقابل این دو گروه در گزارش‌هایی که از فضای خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام برجای مانده، مشهود است. خوارزمی در مقتل الحسین در شرح ماجرای حضور اسرای اهل بیت در مجلس یزید می‌نویسد:

«روایت شده که یزید، فرمان داد منبر و سخنران حاضر کنند تا از حسین و پدرش علی، به بدی یاد کند. سخنران از منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای خداوند، نکوهش و ناسزای فراوانی نثار علی (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) کرد و در ستایش معاویه و یزید، زیاده‌روی کرد. علی بن الحسین (علیه السلام) بر او بانگ زد و فرمود: «وای بر تو، ای سخنران! خشنودی آفریده را با خشم آفریدگار خریدی! جایگاهت را از آتش [دوزخ] بگیر». سپس فرمود: «ای یزید! اجازه بده تا از این چوب‌ها (منبر)، بالا بروم و سخنانی بگویم که رضایت خدا را فراهم آورد و برای اهل مجلس، اجر و ثواب داشته باشد»؛ اما یزید نپذیرفت. مردم گفتند: ای امیرمؤمنان! به او اجازه بده تا بالا برود. شاید از او چیزی بشنویم [و استفاده‌ای ببریم]. یزید به آنان گفت: اگر این از منبر بالا برود، جز با رسوا کردن من و خاندان ابوسفیان پایان نمی‌آید. گفتند: در این اندازه‌ها نیست و نمی‌تواند چنین کند. گفت: او از خاندانی است که علم را [از کودکی] به آنان خورانده‌اند. آن قدر به یزید گفتند تا اجازه بالا رفتن را به ایشان داد» (خوارزمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۸).

تقابل دستگاه امامت و دستگاه خلافت و تحلیل گفتمان آن دو خود موضوع پژوهش مستقلی است؛ اما این تقابل در خطبه امام سجاد (علیه السلام) نه تنها نقطه آغاز فرایند تولید متن و دانش زمینه آن است، بلکه تفسیرهای گفتمانی از این خطبه را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در همین خطبه، تقابل دیگری نیز وجود دارد که در پایان خطبه مشهود است. هنگامی که امام سجاد (علیه السلام) در معرفی خود به نام فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌رسد و خود را فرزند سرور زنان معرفی می‌کند، به ناگاه یزید به مؤذن مسجد شام دستور می‌دهد اذان بگوید (همان). با شروع اذان، کلام امام سجاد (علیه السلام) قطع می‌شود؛ ولی بار دیگر در واکنش به هر یک فرازهای مختلف اذان، تولید متن و دانش زمینه آن توسط امام سجاد (علیه السلام) ادامه می‌یابد به نحوی که اذان نیمه‌کاره می‌ماند و یزید بار دیگر دستور می‌دهد اقامه خوانده شود و در این حین همه مردم بلند می‌شود و برخی اقدام به نماز گزاردن می‌کنند. ابوالفرج اصفهانی این صحنه را چنین روایت کرده است:

«هنگامی که سخن حضرت به این جا رسید، مردم با گریستن و ناله ضجه سر دادند و یزید - لعنت خداوند بر او - ترسید که آشوبی به پا شود، لذا به مؤذن دستور داد که برای نماز اذان بگوید. مؤذن ایستاد و گفت: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» اینجا بود که امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: «آری، خداوند بزرگ‌تر، برتر، و والاتر و گرمی‌تر است از آنچه از آن بیم و هراس دارم و می‌پرهیزم.» وقتی مؤذن گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» امام (علیه السلام) فرمود: «آری، با هر گواهی دهنده گواهی می‌دهم و از طرف هر انکارکننده می‌گویم که معبود و پروردگاری جز او وجود ندارد.» هنگامی که مؤذن گفت: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» امام (علیه السلام) عمامه خود را از سر برداشت و به مؤذن فرمود: «به حق این محمد (که اسم او را بردی) از تو می‌خواهم که یک لحظه سکوت اختیار کنی. سپس رو به یزید نمود و فرمود: «ای یزید! این رسول عزیز و گرمی‌جد من است یا جد تو؟ اگر بگویی: جد توست، همه آگاهان می‌دانند که دروغ می‌گویی؛ و اگر بگویی: جد من است، پس چرا پدر مرا از روی ظلم و ستم کشتی و اموال او را به تاراج بردی و زنانش را اسیر گرفتی؟» حضرت این سخن را فرمود و سپس لباس خود را گشود و گریست و فرمود: «به خدا سوگند، کسی که در دنیا جد او رسول خدا باشد جز من نیست، پس چرا این مرد پدر مرا

از روی ظلم و ستم کشت و ما را مانند رومیان اسیر گرفت؟ ای یزید! آیا این کار را می کنی و آن گاه می گویی: محمد، رسول خداست، و رو به قبله می کنی؟! وای بر تو از روز قیامت، آنجا که خصم و شاکی تو جد و پدرم خواهند بود.» در این زمان یزید با فریاد به مؤذن گفت که نماز را برپا دارد و میان مردم سر و صدا و غوغای عظیمی واقع شد، لذا برخی نماز گزار شدند و برخی نماز نگزارده، متفرق شدند» (اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۱).

اما تفسیرها از خطبه امام سجاد (علیه السلام) از لحظه اتمام آن آغاز شده است. در نسخه ای که مجلسی خطبه را نقل کرده از ذهنیت یکی از مفسران غیرمسلمان حاضر در جلسه پرده برمی دارد. چه آنکه پس از خطبه امام سجاد (علیه السلام) یک دانشمند یهودی که در مجلس حاضر بود به یزید پر خاش کرد و از اینکه پسر دختر پیامبر اسلام را به این نحوه به شهادت رسانده علیه یزید سخن گفت و حاضران را این گونه سرزنش کرد: «به خدا سوگند که اگر پیامبر ما موسی بن عمران در میان ما فرزندی (سبطی از نسل خودش) می گذاشت، ما گمان می کردیم که او را تا سر حد پرستش باید احترام کنیم. شما دیروز پیامبران از دنیا رفت و امروز بر فرزند او شوریده، او را از دم شمشیر خود گذراندید؟! وای بر شما!» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۱۳۹). علاوه بر این، در گزارش قزوینی از این خطبه آمده است که مردم شام پس از پایان خطبه امام سجاد (علیه السلام) گرد او جمع شده، اظهار پشیمانی و ندامت و از ایشان عذرخواهی کردند (قزوینی، ج ۲: ۳۲۹) و این نشان دهنده تولید دانش زمینه متن خطبه است که در مرحله تفسیر گفتمان مورد توجه است. علاوه بر این، تفسیرهای در لحظه این خطبه همواره مورد توجه ادیبان، مورخان و تحلیل گران بوده است (ر.ک: حائری، ۱۴۲۳ق) و تفسیر این خطبه متناسب با موقعیت فرهنگی و اجتماعی آن دوره مورد توجه بوده است تا جایی که برخی محققان این خطبه و تأثیری را که در تغییر اجتماعی شام گذاشت، عامل اظهار پشیمانی یزید و موافقت با بازگشت اسرا به مدینه می دانند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱: ۱۲۵).

۲-۳. سطح سوم: تبیین

این سطح شامل بررسی رابطه بین تعامل و ساختار اجتماعی و توضیح رابطه میان

عناصر گفتمان و جامعه است که به پیشینه فرهنگی آن گفتمان نظر دارد (72: 1992 Fairclough). در تبیین، گفتمان به عنوان جزئی از فرایند کلان اجتماعی در نظر گرفته و مشخص می شود که ساختارهای اجتماعی چگونه به گفتمان عینیت اجتماعی می بخشند. عینیت اجتماعی گفتمان می تواند بر بازتولید ساختارهای اجتماعی اثر گذاشته، آن ها را حفظ یا تغییر دهند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

در تبیین گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام، پیشینه فرهنگی گفتمان امامت به وضوح در کلام امام سجاد بازنمایی می شود. چه آنکه ایشان نسب خود را به رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) ارجاع داده و در این ارجاع کاملاً متکی به فضائلی از آن هاست که معرف پیشینه فرهنگی گفتمان امامت است. در فراز ابتدایی خطبه، پیشینه فرهنگی گفتمان امامت چنین توصیف شده است:

«ای مردم! خداوند به ما شش خصلت عطا فرموده و ما را به هفت ویژگی بر دیگران فضیلت بخشیده است، به ما ارزانی داشت علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبت در قلوب مؤمنین را، و ما را بر دیگران برتری داد به اینکه پیامبر بزرگ اسلام، صدیق [امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)]، جعفر طیار، شیر خدا و شیر رسول خدا [حمزه] و امام حسن و امام حسین (علیه السلام) دو فرزند بزرگوار رسول اکرم ﷺ را از ما قرار داد. [با این معرفی کوتاه] هر کس مرا شناخت که شناخت و برای آنان که مرا شناختند با معرفی پدران و خاندانم خود را به آنان می شناسانم» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵: ۱۳۷).

گفتمان امامت در بیان امام سجاد (علیه السلام) واجد این ویژگی هاست: شجاعت، علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، رشادت، حق مداری، توحیدگرایی، عبودیت، حمایت از مسلمین، یاری دین خدا. این خصوصیات در بیان فضائل رسول خدا ﷺ و امام علی (علیه السلام) ذکر شده است و در پایان خطبه نیز امام سجاد (علیه السلام) بر این نکته پافشاری می کند که رسول خدا ﷺ، جد اعلای او بوده و امیرالمؤمنین جد او بوده است. مهم ترین عنصر گفتمان امامت، شخص

۱. أَيُّهَا النَّاسُ أُعْطِينَا سِتًّا وَفُضِّلْنَا بِسَبْعٍ أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْجَلَمَ وَالسَّمَاخَةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَفُضِّلْنَا بِأَنَّ مِنَّا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا وَمِنَّا الصِّدِّيقَ وَمِنَّا الطَّيَّارَ وَمِنَّا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ وَمِنَّا سَبَطَ هَذِهِ الْأَمَّةِ مِنْ عَرْفَتِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي أَتْبَأْتُهُ بِخَسْبِي وَنَسْبِي.

امام است که در خطبه امام سجاد (علیه السلام) به صراحت مصادیق آن نام برده و خصوصیات آن بیان و در موارد بسیاری به تعاملات خاص عنصر اصلی گفتمان امامت با اجتماع اشاره شده است. به عنوان مثال، امام سجاد (علیه السلام) در بیان فضائل رسول خدا و امیرالمؤمنین به این موارد که نحوه تعامل امام به عنوان عنصر اصلی گفتمان امامت، با اجتماع می‌پردازد:

- أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ الرُّكْنَ بِأَطْرَافِ الرِّدَا؛^۱ اشاره به حمل حجر الاسود توسط رسول خدا ﷺ در جریان تخریب کعبه بر اثر سیل (مقدسی، ج ۴: ۱۳۹).

- أَنَا ابْنُ مَنْ أُسْرِيَ بِهِ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى؛^۲ اشاره به معراج رسول خدا ﷺ (اسراء، ۱).

- أَنَا ابْنُ مَنْ ضَرَبَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفَيْنِ وَ طَعَنَ بِرُمَحَيْنِ وَ هَاجَرَ الْهَجْرَتَيْنِ وَ بَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ وَ قَاتَلَ بِدَرٍّ وَ حَتَيْنٍ وَ لَمْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ؛^۳ اشاره به رشادت های امیرالمؤمنین در صدر اسلام و همراهی با رسول خدا (ص) در سخت‌ترین شرایط جامعه مسلمین.

- أَنَا ابْنُ الْمُحَامِي عَنْ حَرَمِ الْمُسْلِمِينَ وَ قَاتِلِ الْمَارِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ؛ اشاره به سه جنگ در دوره خلافت امیرالمؤمنین با سه گروه طغیان‌گران (اصحاب جنگ نهروان (خوارج))، بیعت‌شکنان (اصحاب جنگ جمل)، خارج‌شدگان از دین (اصحاب جنگ صفین).^۴

- أَبُو السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ؛ سبطین (نوه‌ها) رسول خدا ﷺ یعنی امام حسن و امام حسین (علیه السلام) همواره مورد احترام مسلمانان صدر اسلام بودند و امام سجاد (علیه السلام) در

۱. من فرزند کسی هستم که حجر الاسود را با ردای خود حمل و در جای خود نصب فرمود.

۲. من فرزند پیامبری هستم که در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر کرد.

۳. من پسر آن کسی هستم که برابر پیامبر با دو شمشیر و با دو نیزه می‌رزمید و دو بار هجرت و دو بار بیعت کرد و در بدر و حنین با کافران جنگید و به اندازه چشم بر هم زدنی به خدا کفر نورزید.

۴. امیرالمؤمنین در خطبه شش‌شنبه این سه گروه را به مارقین، ناکثین و قاسطین توصیف کرده‌اند: «فلما نهضت بالامر نکث طائفة و مرقّت اخرى و قسط اخرون؛ پس چون به امر خلافت قیام کردم، طایفه ای نقض بیعت کردند، جمعیتی از دین بیرون رفتند، جمعیتی از اول سرکشی و طغیان کردند» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

معرفی امیرالمؤمنین برای مردم شام از این اصطلاح استفاده کردند.

امام سجاد (علیه السلام) با این خطبه دوره عینیت بخشی به گفتمان امامت را نیز آغاز کردند. چه آنکه ایشان در دوره امامت خود جهت گیری معنوی جامعه را در خطر می دیدند، با سلاح دعا به دنبال اصلاح آن رفته و به احیای مفاهیم دینی همچون زهد، تواضع، عبودیت و معنویت پرداختند (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۱۹۲). اقدام دیگر امام سجاد (علیه السلام) در عینیت بخشی به گفتمان امامت این بود که باتوجه به روی گردانی مردم از دستگاه امامت پس از واقعه کربلا، به سوی راه اندازی و تقویت تشکیلات مخفی و منسجم از پیروان راستین امامت پرداخته (همان: ۱۹۲-۱۹۸) و شاکله اصلی سازمان وکالت اهل بیت (علیهم السلام) را که در دوره امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) تأسیس شد، پایه ریزی کرد (ر.ک: جباری، ۱۳۸۲: ۲۶۷).

تبیین گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) نشان می دهد این خطبه و اقدامات دستگاه امامت پس از آن موجب تغییر در ساختارهای اجتماعی نیز شده است، چه آنکه پس از روشنگری های امام سجاد (علیه السلام) قدرت، سلطه و نفوذ دستگاه خلافت اموی روز به روز کمتر و آگاهی و هوشیاری جامعه مسلمین از جنایات و انحرافات آنها بیشتر و موقعیت آنها در تحریف دین اسلام متزلزل و بلکه منهدم شد و مردم در فراگیری آموزه های دینی خود از مرجع رسمی حکومت و علمای درباری روی گردان و به سوی امام سجاد (علیه السلام) و گفتمان امامت متمایل شدند (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

تبیین گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) نکته دیگری را نیز عیان می کند و آن، گونه هجومی گفتمان امامت به گفتمان خلافت است. چه آنکه امام سجاد (علیه السلام) نه تنها از بیان فضائل اهل بیت (علیهم السلام) خودداری نکردند، بلکه در بیان جنایات دستگاه خلافت اموی نیز چیزی را فروگذار نکردند و درمأعام به قاتل بودن یزید تصریح کردند. از سوی دیگر، تبیین گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام)، انفعال گفتمان خلافت اموی در برابر گفتمان امامت را متذکر می شود که گزارش های تاریخی درباره اظهار پشیمانی یزید از دستور جنگ با امام حسین (علیه السلام) یا انداختن گناه شهادت امام حسین (علیه السلام) به گردن یزید و اجازه عزاداری کاروان اسرا در شام آن را تأیید می کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۵؛ ۱۴۳: قمی، ۱۴۱۲: ق:

۲۶۲). این انفعال تا حدی است که در تاریخ طبری از زبان یزید چنین نقل شده است: «ابن زیاد مرا با کشتن حسین (علیه السلام) منفور مسلمانان قرار داد و بذر عداوت آنان را با من در قلبشان کاشت و چون کشتن حسین (علیه السلام) برای مردم گران آمده همگان مرا دشمن می‌دارند» (طبری، ج ۴: ۳۸۹).

۳. نتیجه‌گیری

تحلیل کلمات، ادعیه و خطابه‌های امام سجاد (علیه السلام) با توجه به موقعیت زمانی امامت ایشان می‌تواند به فهم بهتر جریان گفتمانی دستگاه امامت در طول دوره ۲۵۰ ساله امامت کمک کند. خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید یکی از مواردی است که با استفاده از ابزار زبان برای روشننگری، تبیین و آگاهی بخشی اجتماعی استفاده شده و موفقیت استفاده از این ابزار توسط دستگاه امامت به نحوی بوده است که توانسته به قیام‌های مردمی در حمایت از خاندان رسول خدا ﷺ و خون خواهی ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) منجر شود و در ابلاغ رسالت و تبلیغ حماسه عاشورا و تداوم خط مبارزه امام حسین (علیه السلام) به خوبی عمل کند.

خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین قابل تحلیل گفتمانی است. در تحلیل سطح اول باید به صورت بیانی و خطابی آن اشاره کرد که واجد خصوصیات خطابه همچون زبان بدن، تعامل با مخاطب و واکنش لحظه‌ای است. همچنین نبود شناخت و بی‌اطلاعی مردم شام از فضائل امیر المؤمنین علی (علیه السلام) مهم‌ترین انگیزه حضرت برای استفاده از شیوه خطابه و بیان این کلمات بوده است، به نحوی که ایشان در بیان فضائل و معرفی خود از واژگان کوبنده و عبارات کوتاه استفاده کرده تا تأثیر آنی خطبه بر مخاطبان بیشتر باشد.

در سطح دوم، یعنی تفسیر این خطبه، می‌توان گفت روابطی که باعث تولید و درک گفتمان شده، شامل دو گروه است که از لحاظ گفتمانی در مقابل یکدیگر قرار دارند. گروه اول، پیروان امامت خاندان رسول خدا ﷺ به رهبری امام سجاد (علیه السلام) است و گروه دوم،

پیروان دستگاه خلافت به رهبری یزید است. تفسیرها از خطبه امام سجاد (علیه السلام) از لحظه اتمام آن آغاز و به جریان سازی بلندمدتی در جریان پیروان امامت ختم شده است.

در سطح سوم و تبیین گفتمان خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام، پیشینه فرهنگی گفتمان امامت به وضوح در کلام امام سجاد (علیه السلام) بازنمایی می شود. چه آنکه ایشان حسب و نسب خود را به رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) ارجاع داده و در این ارجاع کاملاً متکی به فضائلی از آنهاست که معرف پیشینه فرهنگی گفتمان امامت است.

از آنجا که مهم ترین عنصر گفتمان امامت، شخص امام است، در خطبه امام سجاد (علیه السلام) به صراحت مصادیق آن نام برده و خصوصیات آن بیان و در موارد بسیاری به تعاملات خاص عنصر اصلی گفتمان امامت با اجتماع اشاره شده است. تعاملاتی پر دامنه از جنس لطف، مهربانی، کرامت بخشی و توحید محوری تا جنگ، رفع فتنه، تبیین و روشننگری خط نفاق در جامعه اسلامی که به دست امیرالمؤمنین صورت گرفته است.

امام سجاد (علیه السلام) با این خطبه، دوره عینیت بخشی به گفتمان امامت را نیز آغاز کرده، با سلاح دعا به دنبال اصلاح جهت گیری معنوی جامعه رفته و به احیای مفاهیم دینی همچون زهد، تواضع، عبودیت و معنویت پرداخته اند.

اقدام دیگر امام سجاد (علیه السلام) در عینیت بخشی به گفتمان امامت این بود که با توجه به روی گردانی مردم از دستگاه امامت پس از واقعه کربلا، به سوی راه اندازی و تقویت تشکیلاتی مخفی و منسجم از پیروان راستین امامت پرداخته و شاکله اصلی سازمان وکالت اهل بیت (علیهم السلام) را که در دوره امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) تأسیس شد، پایه ریزی کرد.

علاوه بر این، خطبه امام سجاد (علیه السلام) و دیگر اقدامات ایشان موجب تغییر در ساختارهای اجتماعی نیز شده است، چه آنکه پس از روشننگری های امام سجاد (علیه السلام) قدرت، سلطه و نفوذ دستگاه خلافت اموی روز به روز کمتر و آگاهی و هوشیاری جامعه مسلمین نسبت به جنایات و انحرافات آنها بیشتر و موقعیت آنها در تحریف دین اسلام متزلزل و بلکه منهدم شد و مردم در فراگیری آموزه های دینی خود از مرجع رسمی حکومت و علمای درباری

روی گردان شده و به سوی امام سجاد (علیه السلام) و گفتمان امامت متمایل شدند. از این رو، می توان مواجهه امامت با خلافت را در این دوره به گونه هجومی و تقابلی تحلیل و از سوی دیگر، مواجهه خلافت با امامت را به نحو انفعالی توصیف کرد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آقا گلزاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان/انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی تاریخ عاشورا. تهران: اخلاق.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵ق). الکامل. بیروت: دار صادر.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۶۴). اللهوف فی قتلی الطفوف. قم: منشورات الرضی.
- ابن اعثم، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). الفتوح. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الأضواء.
- ارجمندی، عباسعلی. (۱۳۹۵). «تحلیل ادبی خطبه امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۳۸۵ق). مقاتل الطالبیین. تحقیق سید احمد صقر. قم: المکتبه الحیدریه.
- امینی، عبدالحسین. (۱۴۱۴ق). الغدير. بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
- امینی، محمد امین. (۱۳۸۱). الركب الحسینی. قم: مرکز الدراسات الاسلامیه.
- باقی پور، فاطمه السادات. (۱۳۸۶). «خطبه امام سجاد (علیه السلام)، قیام بر علیه نیرنگ ها». شمیم یاس. شماره ۵۹.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۸۲). سازمان و کالت اهل بیت و نقش آن در عصر ائمه. قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- حائری، جعفر عباس. (۱۴۲۳ق). بلاغه الإمام علی بن الحسین (علیه السلام). قم: المجمع العالمی لاهل البيت (علیهم السلام).
- حسینی اجداد، سید اسماعیل. (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان خطبه امام سجاد در کوفه بر اساس بافت متنی و موقعیتی». مطالعات متون اسلامی. سال اول. شماره سوم. صص: ۱۰۷-۱۳۴.
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله. تنظیم مرکز صهبا. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۴۱۸ق). مقتل الحسین. تحقیق محمد سماوی. قم: انوار الهدی.
- ربانی گلیپایگانی، علی. (۱۳۷۱). «افشاگری های امام سجاد در قیام کربلا». نور علم. شماره ۴۴. صص: ۱۱۱-۱۳۰.
- فارسی مدان، علی. (۱۴۰۰). «مخاطب شناسی خطبه های امام سجاد (علیه السلام) در کوفه و شام». پژوهش نامه معارف حسینی. سال ششم. شماره ۲۱. صص: ۹۵-۱۱۲.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- قزوینی، صدرالدین بن محمد حسن. (بی تا). ریاض القدس المسمی بحدائق الانس. تهران: اسلامیه.
- قمی، شیخ عباس. (۱۴۱۲ق). نفس المهموم فی مصیبت سیدنا الحسین المظلوم. بیروت: دار المحجبه البيضاء.
- طبری، عماد الدین. (۱۳۸۳). کامل بهائی. تحقیق اکبر صفدری قزوینی. تهران: مرتضوی.
- طبری، محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ الامم والریسل والملوک (تاریخ الطبری). تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: روائع التراث العربی.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی به سخن کاوی». زبان شناسی. سال نهم. شماره ۱۳. صص: ۹-۳۹.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

- مسعودی، علی بن حسین. (بی تا). *مروج الذهب*. بیروت: دارالمعرفه.
- معتمد لنگرودی، فرشته؛ رضی بهابادی، بی بی سادات؛ اکبری زاده، فاطمه. (۱۳۹۹). «مطالعه انتقادی گفتمان کاوی متون دینی». *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*. سال چهارم. شماره دوم. صص: ۱۱۹-۱۴۴.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- مقدسی، مطهر بن طاهر. (بی تا). *البدء والتاریخ*. بیروت: دار صادر.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۴). *دانشنامه نظریه های ادبی معاصر*. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- مکی، سیده زهرا؛ عبدالحی، حسن؛ سیدی، سید حسین. (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه دمشقیه امام سجاد (علیه السلام) براساس نظریه نورمن فرکلاف». *علوم قرآن و حدیث*. ۵۵ (۱) صص: ۱۹۹-۲۲۱.
- منقری، نصر بن مزاحم. (۱۴۰۴ق). *وَقَعَةُ صَقِین*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- میرزاخانی، فاطمه. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی و سبک شناسانه خطبه امام سجاد و حضرت زینب (علیها السلام) در کوفه و شام». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کاشان.
- نصراوی، محمد. (۱۳۹۴). «بازسازی گفتمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صحیفه سجاده واکاوی کردار گفتمانی با استفاده از نظریه باختین و الگوی سه بعدی فرکلاف». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۳). *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

منابع لاتین

- Brown, G. & George Yule (1983). *Discourse Analysis*, London: Cambridge University Press.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and social Change*. Cambridge: Polity Press.
- ----- (1995). *Critical discourse analysis*. London: Longman.